

اسکان غیررسمی: پنداشتها. واقعیت‌ها

یوسف رحمتی* دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گیلان؛ مشاور

بازآفرینی شهری محلات هدف شهرداری منطقه دو شیراز

مهرداد توکلیان کارشناسی مهندسی کامپیوتر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز؛ معاون فنی سابق

شهرداری منطقه دو، مدیر فعلی شهرداری الکترونیک شیراز

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی اکوتوریسم، دانشگاه

هرمزگان؛ کارشناس فرهنگی و مدیر خانه محله‌ی شیخ‌علی چوپان، شهرداری

منطقه دو شیراز

نجمه چاره

چکیده

با تمرکز فقر در شهرها، در طول چند قرن اخیر و به موازات صنعتی شدن جهان، مشکل نابرابری خدمات‌رسانی و مسکن پرازدحام به‌مثابه‌ی جنبه‌ای نامطلوب از زندگی شهری به‌شکل کالبدی و باعنوان سکونتگاه‌های غیررسمی نمایان شد. از همان ابتدای ظهور پدیده‌ی اسکان غیررسمی که گاه به‌غلط، «حاشیه نشینی» نیز خوانده می‌شود، به‌فراخور زمان و بنابه شرایط اقتصادی و اجتماعی و نیز نگرش‌های حاکم، رویکردهای مختلفی برای حل این مشکل در دستور کار قرار گرفت. هریک از این رویکردها، نقاط قوت و ضعفی داشتند و به‌کارگیری آن‌ها در عمل پیامدهای اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی داشت. یکی از ابعادی که در این تحقیق مدنظر است، بار ارزشی منفی است که به ناحق، به سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان آن در بعد اجتماعی و فرهنگی وارد می‌شود. روش این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است که ابتدا مطالعات اکتشافی به‌صورت کتابخانه‌ای-اسنادی انجام شده و بخش عمده‌ی پژوهش با استفاده از اسناد و مقالات داخلی و خارجی به تجزیه و تحلیل و تبیین تئوریک مسئله تحقیق پرداخته است و درباره‌ی سیر تحول حل مسئله اسکان غیررسمی از چشم‌پوشی تا توانمندسازی و سپس نوع رفتار و پندارهای موجود در رابطه با این سکونتگاه‌ها و اجتماعات ساکن در آن بحث شده است. بنابر نتایج این تحقیق، نوزاد معلول نظام سرمایه‌داری، اسکان غیررسمی است که شکل کالبدی خود را سال‌هاست در اقصی نقاط جهان و به‌خصوص کشورهای جهان‌سوم نشان داده است. برخی به‌اشتباه، اسکان غیررسمی را به روند طبیعی رشد شهرنشینی نسبت می‌دهند. عده‌ای نیز تحت‌تأثیر برخی پارادیم‌ها آن را حالتی گذرا در روند توسعه نشان می‌دهند تا سرپوشی بر معضلات ایجاد شده قرار دهند؛ به‌طوری‌که کرامت و عزت ساکنین این محلات را نادیده یا کم‌اهمیت انگاشته و

در این راه از هر ابزاری استفاده می‌کنند. از اشتباهاتی سهوی یا عمدی در این زمینه، به‌کاربردن واژه حاشیه‌نشین در مجامع علمی (و سایر برجسب‌های دیگر که بیشتر در زبان عامه استفاده می‌شود) است. آن واژه بار ارزشی منفی برای ساکنین شرافتمند این محلات دارد و دست مدیران و مسئولان و برنامه‌ریزان شهری را برای بسیاری اقدامات خشونت‌بار فیزیکی و روانی و اجتماعی علیه اجتماعات غیررسمی، باز می‌گذارد؛ بنابراین لزوم بازنگری و تجدیدنظر محققان، مسئولان و مدیران شهری در پنداشت‌هایشان درباره‌ی اجتماعات غیررسمی و نگاهی موشکافانه که همراه با واقع‌بینی باشد، ضروری می‌نماید.

اژه‌های کلیدی: اسکان غیررسمی، فقر شهری، توانمندسازی، خشونت اجتماعی.

۱. مقدمه

با تمرکز فقر در شهرها در طول چند قرن اخیر و به موازات صنعتی شدن جهان، مشکل نابرابری خدمات‌رسانی و مسکن پرازدحام به‌مثابه‌ی جنبه‌ای نامطلوب از زندگی شهری نمایان گشت. درواقع چنین روندی، با عینیت‌یافتن جنبه‌های کالبدی فقر در قالب محله‌های فقیرنشین و اسکان غیررسمی، به مشخصه‌ی بیشتر شهرهای بزرگ کشورهای درحال‌توسعه بدل شده است. باوجود چنین مشکلاتی، شهرنشینی روند خود را ادامه می‌دهد و شهرها به‌مثابه‌ی گره‌گاه و مکان تمرکز فعالیت و سرمایه، تضمین‌کننده‌ی روند روبه‌رشد انباشت سرمایه و نقطه‌ی امید بقای سرمایه‌داری‌اند که گریز از شهرنشینی را غیرممکن می‌کند. چنین مشکلاتی هیچ‌گاه کندکننده‌ی روند شهرنشینی نشد. (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۵).

۲. بیان مسئله

درواقع، اسکان غیررسمی از چهره‌های بارز فقر شهری است که در درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه‌ی رسمی شهرسازی با تجمعی از افراد کم‌درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و با عناوینی همچون سکونتگاه‌های حاشیه‌ای، اسکان غیررسمی، سکونتگاه‌های خودرو و نابسامان و محلات آلونکی نامیده می‌شود. محیط زندگی این سکونتگاه‌ها پذیرای نابهنجاری‌ها و برانگیزاننده‌ی آسیب‌های اجتماعی است که گاه در استدلالی وارونه، علت پیدایش این سکونتگاه‌ها قلمداد می‌شوند! محرومیت و

تبعیض، در قیاس با دیگر نواحی شهری و فقر و فساد فزاینده‌ی اجتماعی، آن‌ها را به کانونی بحرانی و ضد توسعه‌ی پایدار انسانی تبدیل کرده و به همین دلیل، بررسی پدیده‌ی اسکان غیررسمی، نه تنها ضرورتی برآمده از ارزش‌های اعتقادی و انسانی، بلکه با منافع اجتماعی و پایداری سکونتگاه‌ها و توسعه‌ی ملی سازگار است؛ چراکه فقر در هر جایی، تهدیدی برای همه جا است (صرافی، ۱۳۸۱: ۲۳).

این پدیده، محصول سربرآوردن و بالیدن نظام سرمایه‌داری است. مسئله‌ای که به غلط و گاه به اصرار حاشیه‌نشینی خوانده می‌شود (پیران، ۱۳۸۱: ۴).

از همان ابتدای ظهور پدیده‌ی اسکان غیررسمی، به فراخور زمان و بنابه شرایط اقتصادی و اجتماعی و نیز نگرش‌های حاکم، رویکردهای مختلفی برای حل این مشکل در دستور کار قرار گرفت. این رویکردها، نه تنها هرگز یکنواخت نبوده و از رویه‌ای منسجم پیروی نکرده است؛ بلکه در نقاط مختلف جهان گوناگونی نیز داشته است. از مشکلاتی که در کشورهای جهان سوم و از جمله ایران با آن مواجه‌ایم، ناآگاهی نسبی مدیران شهری و نهادهای مسئول درباره‌ی برخورد با فقرای شهری است که بعد کالبدی آن همان اسکان غیررسمی است. لذا با توجه به اهمیت و نقش این مناطق فقیرنشین در توسعه یافتن یا توسعه نیافتن شهرها، نوع رفتار سیاست‌گذاران و مدیران و برنامه‌ریزان شهری برای بهبود اوضاع این مناطق، بسیار مهم و به شدت اثرگذار خواهد بود.

۳. ضرورت تحقیق

ضرورت توجه به تجارب جهانی و ملی، در حل مشکل این بخش از کلان‌شهرها خود را نمایان می‌کند و به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بسیار حساس ساکنان این محلات، باید با شناخت دقیق از آن‌ها، برنامه‌ها تدوین شود؛ زیرا هرگونه اقدام خودسرانه و همراه با پیش‌داوری قبلی و بدون شناخت کامل از ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی هدف و همچنین استفاده نکردن از تجارب مشابه در حل مشکل اسکان غیررسمی، نه تنها محکوم به شکست خواهد بود، بلکه مشکلات بسیاری را به وجود می‌آورد. مشکلاتی همچون شکل‌گیری نوعی بی‌اعتمادی

به سیاست‌گذاران و مدیران شهری، ازدست‌رفتن سرمایه‌ی اجتماعی بسیار بالای این محلات و پیش‌داوری‌های ناروا درباره‌ی اجتماعات غیررسمی.

۴. اهداف تحقیق

- آشناسدن با نوع برخورد و چاره‌جویی دولت‌های مختلف جهان، در رابطه با اسکان غیررسمی که به‌فراخور زمان و تحت لوای مکاتب مختلفی شکل گرفته است.
- متوجه‌ساختن مدیران شهری در زمینه‌ی نوع برخورد و تصمیم‌گیری آن‌ها برای ساکنان مناطق اسکان غیررسمی با توجه به تجارب جهانی موجود.
- اصلاح نوع نگاه بزهکارانه و قضاوت پیش‌داورانه مدیران و مسئولان شهری و همچنین شهروندان راجع به ساکنان این محلات.

۵. پیشینه‌ی تحقیق

در کشور ما، با فراگیر شدن مباحث نظری اسکان غیررسمی و رویکردهای حل این مشکل، همواره تحقیقاتی در این رابطه انجام شده و مباحثی به‌صورت عمقی یا سطحی در رابطه با رویکردهای موجود برای اسکان غیررسمی مطرح شده است؛ اما کمتر به نوع برخورد مدیران و مسئولان شهری به این پدیده پرداخته شده است. از جمله کسانی که در این زمینه، کارهای بسیار ارزنده‌ای انجام داده، دکتر پرویز پیران (۱۳۶۷) است. وی در مجموعه مقالات خود تحت عناوین مختلف (شهرنشینی شتابان و ناهمگون، پیامدهای فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران، باز هم در باب اسکان غیررسمی و...)، با پرداختن به زمینه‌های نظری و علل بنیادی شکل‌گیری فقر شهری و اسکان غیررسمی، آن را معلول نظام سرمایه‌داری می‌داند. وی سعی کرده است با در نظر گرفتن تمام ابعاد انسانی و روان‌شناختی و پیامدهای ناشی از برجسب‌هایی که به ساکنان این محلات زده می‌شود، به مدیران شهری برای بدرفتاری با این فقرای شهری و اسکان غیررسمی هشدار دهد.

دکتر مظفر صرافی (۱۳۸۱) نیز از جمله صاحب‌نظران در این زمینه است که به‌خوبی

سیر تکامل رویکردهای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی را بررسی کرده است و در مقالات متعددی نظیر «به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی» و «ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور در پرتو حکمروایی خوب شهری» به‌خوبی سیر نوع برخورد با این پدیده و تجربه‌های جهانی را بیان کرده است. وی همچنین در آثار و مقالات خود، باورهای متداول درباره‌ی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی را به‌خوبی بیان کرده و آن‌ها را بررسی کرده است.

کیومرث ایراندوست (۱۳۸۸) در کتابی با عنوان *سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره‌ی حاشیه‌نشینی*، رویکردها و نظریات حل معضل اسکان غیررسمی را در طول زمان، بررسی کرده است و سیر تکامل رویکردها در باب اسکان غیررسمی و تجارب به‌دست‌آمده از هر رویکرد را به‌خوبی نشان داده است.

حاج‌یوسفی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «حاشیه‌نشینی شهری و فرایند تحول آن»، تاحدی به سیر نظری شکل‌گیری و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در جهان و ایران پرداخته است.

۶. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است که ابتدا مطالعات اکتشافی به‌صورت کتابخانه‌ای - اسنادی انجام شده است و بخش عمده‌ی پژوهش، با استفاده از اسناد و مقالات داخلی و خارجی به تجزیه و تحلیل و تبیین تئوریک مسئله تحقیق پرداخته و سیر تحول حل مشکل اسکان غیررسمی از چشم‌پوشی تا توانمندسازی را بیان کرده است. سپس در زمینه‌ی نوع رفتار و پندارهای موجود در رابطه با این سکونتگاه‌ها و اجتماعات ساکن در آن بحث شده است.

۷. اسکان غیررسمی از منظر مکاتب غالب

دسته‌ی اول: لیبرال

_____ اساس

دیدگاه لیبرالیسم، اسکان غیررسمی، واقعیت‌شهری در دنیا یا امروز است و پدیده‌های مثبت محسوب می‌شود که

هبهمرور زمان کیفیت زندگی شهریدر این مناطق افزایش میابد؛ چرا که هسساکانان اجتماعات غیررسمیباشرایطزندگی شهریسازگار میشوند. بر این اساس بود که نظریات نوسازی، زیر لوای لیبرالیسم شکل گرفت و مصداق اصلی این دیدگاه را می توان در نظریه‌ی مراحل رشد رستو مشاهده کرد. تئوری مراحل رشد رستو این مرحله از روند شهرنشینی که با پدیده‌هایی نظیر فقر و عقب‌ماندگی بخشی از جامعه (محدوده و محلات اسکان غیررسمی) را در مقایسه با بخش توسعه یافته شهر و عدم این توازن را جزو روند طبیعی توسعه یافتگی می‌داند و از آن به مثابه‌ی مرحله‌ی گذار یاد می‌کند. در این مکتب دست پنهان بازار، خود حلال این مشکلات تلقی شده است.

از دیگر نظریات مطرح در مکتب لیبرالیسم نظریه‌ی فرهنگ فقر از نظر اسکار لوئیس، فرهنگ فقر شامل مجموعه‌ی گوناگونی از ارزش‌ها و باورها در میان فقراست که در میان آنان، نوعی خرده‌فرهنگ شکل می‌دهد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

لوئیس استدلال کرد که فقرا در یک فرهنگ فقر گریزناپذیر گرفتارند و گروه‌های فقیر، عموماً از ویژگی‌هایی همچون بی‌انگیزگی، جبری‌گری، رضایت‌مندی آنی و بی‌نظمی اجتماعی برخوردارند.

نظریه‌ی لوئیس و دیدگاه‌هایی از این دست، باعث شد که از دید برنامه‌ریزان و مدیران وقت، محله‌های فقیرنشین شهری، به مثابه‌ی سرطان شهری و زخم چرکین و اینگونه صفت‌ها قلمداد شوند. چنین نگرشی عموماً با بدبینی و بیم از محلات فقیرنشین و سکونتگاه‌های غیررسمی، باعث ترویج این اندیشه شد که باید این گونه محلات از میان برداشته شوند. در نتیجه، این نگرش به‌ویژه در رژیم‌های متمرکز و مستبد، دست‌مایه‌ای برای اتخاذ گاه‌وبیگاه روش‌های اقتدارمدار و تخریب و تخلیه اجباری بود. به عبارت دیگر، صاحبان قدرت و گروه‌های مسلط از دیدگاه فرهنگ فقر بسیار استقبال کردند، تاجایی که گناه فقرا را بر گردن فقرا انداختند.

دسته‌ی دوم: بنیادگرایی

بنیادگراها برخلاف لیبرال‌ها، دلیل گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی را در عوامل خارجی جست‌وجو می‌کنند. از نظر آن‌ها، وابستگی کشورهای در حال توسعه به

کشورهای پیشرفته در نظام جهانی، باعث می‌شود این کشورها نقش تأمین‌کننده‌ی موادغذایی را از دست بدهند و به واردکننده تبدیل شوند. درمقابل، در شهرهای بزرگ اینگونه کشورها صنعتی‌شدن اتفاق می‌افتد (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۸). این وابستگی و تحولات ناشی از آن، باعث شکاف بین شهر و روستا می‌شود و آغاز مهاجرت‌های سنگین از روستا به شهری را پدید می‌آورد. این درحالی است که به‌دلیل سرمایه‌بربودن صنعت ایجاد شده، فرصت اشتغال برای تعداد معدودی از افراد فراهم می‌شود و بقیه، به مشاغل غیررسمی و سکونت غیررسمی روی می‌آورند.

ازجمله نظریه‌های مبتنی بر اقتصاد سیاسی فضا که در دهه‌ی ۱۹۷۰، اعتبار زیادی کسب کرد، نظریه‌ی وابستگی بود که آن نیز به‌شکلی، ریشه در نظرات کارل مارکس داشت.

درعمل، نظریه‌ی وابستگی به‌مثابه‌ی واکنشی به نظریات تکامل‌گرایانه و کارکردگرایانه نوسازی و توسعه‌ی سیاسی مطرح شده پس از جنگ دوم جهانی، شکل گرفت. نظریه‌ی وابستگی، به‌جای اینکه اندیشه اروپا را که محور توسعه بود، بازتاب دهد، به انعکاسی از جهان‌سوم و بازتابی از نوشته‌های ساختارگرایان آمریکای لاتین و منطقه‌های کارائیب همچون بکفورد و پریش و کاردوسو بدل شد.

درمجموع، جان کلام شهرشناسان و صاحب‌نظران تحت‌تأثیر مکتب وابستگی، این بود که شهرنشینی و تغییر و تحول آن، حاصل «رابطه‌ی وابستگی» میان فضای مسلط و فضای تحت‌سلطه است که موجودیت هریک به وجود دیگری وابسته است.

بر پایه‌ی نظرات گوندر فرانک در کتاب سرمایه‌داری و توسعه‌نیافتگی در آمریکای لاتین، توسعه‌نیافتگی و توسعه‌نیافتگی، دو روی یک سکه‌اند و هر دو پیامد و تجلی الزامی تضادهای نظام سرمایه‌داری توسعه به‌شمار می‌آیند. براساس استدلال وی، شرایط کشورهای درحال توسعه پیامد رخوت، ادبار، اقبال و بخت، شرایط اقلیمی یا هرچیز دیگری نیست؛ بلکه ناشی از الحاق این کشورها به نظام جهانی سرمایه‌داری است.

دسته‌ی سوم: لیبرالیسم جدید

سیاست‌های شهری دهه‌ی ۱۹۹۰ از نئولیبرالیسم بسیار متأثر بود که عمدتاً با شکست سه اصل دراستطاعت‌بودن و بازگشت هزینه و تکرارپذیری در سیاست مسکن همراه بود. اگرچه در زمینه‌ی دراستطاعت‌بودن، موفقیت‌هایی کسب شد؛ اما بازگشت هزینه و تکرارپذیری چندان موفقیتی کسب نکرد. براین اساس، به‌جای تأمین آجر و بتون، بر اصلاحات مدیریتی و نهادی تأکید شد (به‌ویژه از سوی بانک جهانی)؛ از سوی دیگر، به معیارهایی همچون کاهش گستره‌ی فعالیت دولت و تشویق خصوصی سازی، افزایش و هدف‌دار کردن یارانه‌ها، آزادسازی و اصلاح قانون ظرفیت سازی نهادی، افزایش مشارکت و تمرکززدایی اداری و سیاسی توجه شد (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

۸. سیر رویکردهای حاکم بر اسکان غیررسمی

از همان ابتدای ظهور پدیده‌ی اسکان غیررسمی، به‌فراخور زمان و بنابه شرایط اقتصادی و اجتماعی و نیز نگرش‌های حاکم، رویکردهای مختلفی برای حل این مشکل در دستور کار قرار گرفت. این رویکردها، نه‌تنها هرگز یکنواخت نبوده و از رویه‌ای منسجم پیروی نکرده است؛ بلکه در نقاط مختلف جهان گوناگونی نیز داشته است.

جدول ۱: خلاصه‌ی رویکردهای مسلط در برنامه‌ریزی و حل مسئله‌ی سکونتگاه‌های

غیررسمی

| نکات اصلی | دوره‌ی رواج و تسلط | رویکرد |
|--|---------------------------------------|--------------------------------------|
| - با توسعه اقتصادی، درکل جامعه مشکل حل خواهد شد - مشکل ساختاری است و با برنامه ریزی محلی حل نخواهد شد | تا دهه‌ی ۱۹۶۰ | نادیده‌گرفتن ^۱ |
| - سکونتگاه‌های غیررسمی، غده‌ای چرکین بر بدن شهرند و باید برچیده شوند | ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ در برخی کشورها تاکنون | حذف و تخلیه اجباری ^۲ |
| - بهره‌گیری از نیروی کار و مهارت و توان مدیریت ساکنان در حل مشکل | ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ | خودیاری ^۳ |
| - دولت و منابع دولتی کلید حل مشکل است - نیاز به یارانه‌های هدف‌دار مسکن | ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ | مسکن عمومی ^۴ (اجتماعی) |
| تأمین زمین و زیرساخت‌های اولیه راه‌حل است | ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ | مکان- خدمات ^۵ |
| - تأمین حق سکونت و زیرساخت‌ها با بهره‌گیری از وضع موجود | ۱۹۸۰ تاکنون | ارتقایبخشی (بهسازی) ^۶ |
| - ایجاد چارچوب سیاسی و اداری و محیطی - استفاده از ظرفیت‌های درونی اجتماعات محل - توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی | ۱۹۹۰ تاکنون | توانمندسازی ^۷ |

(ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۳۶)

۹. پنداشت‌های نادرست درباره‌ی اسکان غیررسمی و ساکنان آن

اطلاق حاشیه‌نشین به سکونتگاه‌های گروه‌های کم‌درآمد شهری را می‌توان ناشی از

دلایل زیر دانست:

- مهاجران روستایی فاقد توانمندی حرفه‌ای و تحصیلات لازم که برای مشارکت در حیات اقتصادی- اجتماعی شهر مشغول به‌کار در بخش غیررسمی اقتصاد شهرند، به‌مثابه‌ی زائده‌ای انگلی از بخش مدرن معرفی می‌شوند که عمدتاً باید در موضوعات

1. Negligence

2. Force Eviction

3. Self-Helping

4. Public Housing

5. Site and Service

6. Upgrading

7. Enabling

آسیب‌شناسی اجتماعی و فزونی جرم و بزهکاری یا تهدیدکننده‌ی وضعیت و امنیت نقاط شهری قرار گیرند؛

• از حیث جغرافیایی حاشیه‌اند، زیرا اغلب در پیرامون مناطق شهری و اراضی نامناسب (در معرض انواع تهدیدهای طبیعی یا دارای وضعیت مبهم مالکیت) شکل می‌گیرند؛

• از نظر اقتصادی حاشیه‌اند، زیرا فاقد تخصص‌های لازم برای جذب و فعالیت در بخش رسمی و به‌اصطلاح مدرن شهری‌اند؛

• از نظر اجتماعی حاشیه‌اند، زیرا به‌دلیل پیشینه‌ی متصور درباره‌ی آن‌ها، امکان انطباق با فرهنگ شهری ندارند؛

• در نتیجه درباره‌ی اصطلاح حاشیه‌نشینی پیش‌داوری‌های منفی شکل می‌گیرد. (جوهری پور و داورپناه، ۱۳۸۱: ۲۱).

۱۰. پندارهای ناروا درباره‌ی اجتماعات غیررسمی

دکتر پرویز پیران، در مقاله‌ای با عنوان «باز هم در باب اسکان غیررسمی» پندارهای ناروا درباره‌ی اجتماعات غیررسمی را اینگونه دسته‌بندی و بیان می‌کند:

- اجتماعات غیررسمی معضلی کالبدی و اجتماعی و فرهنگی‌اند؛

این برداشت نادرست نزد مسئولان و محققان و برنامه‌ریزان شهری وجود دارد. بدون آنکه پیدایش و رشد اینگونه اجتماعات مثبت تلقی شود، باید پذیرفت که پیدایش آن‌ها، نه تنها معضل به حساب نمی‌آید، بلکه جانشین ده‌ها معضل جدی است. اگر برفرض مثال، کشورهای جهان سوم قادر شوند از پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی جلوگیری کنند، باید وقوع فقر و ده‌ها شورش شهری را انتظار بکشند. علاوه بر آنکه، جمعیت زیرخط فقر در این کشورها شتابان رشد خواهد کرد و فقر مطلق به معضلی حاد تبدیل خواهد شد، افزایش جرم و جنایات و کج‌روی‌ها را نیز نباید از یاد برد.

- اجتماعات غیررسمی خواستگاه کج‌روی‌های اجتماعی و بروز جرم و جنایت‌اند؛ تردیدی نیست که شرایط اجتماعات غیررسمی برای مخفی‌نگه‌داشتن خلافکاران،

مناسب‌ترین مکان‌ها به شمار می‌آیند؛ اما بیشتر ساکنان اجتماعات غیررسمی، مردمی زحمت‌کش و شریف‌اند و تعمیم کج‌روی به ساکنان این محلات، تهمتی سخت نارواست.

- ساکنان اجتماعات غیررسمی مهاجران روستایی‌اند؛

گرچه بخش عمده‌ای از ساکنان این اجتماعات زمانی مهاجر بوده‌اند، شمار افرادی که از بخش رسمی شهرها به اجتماعات غیررسمی روی می‌آورند، روزبه‌روز افزایش می‌یابد و تنوع شغلی و قومی و گروهی این اجتماعات به شدت روبه افزایش است.

- تشکیل اجتماعات غیررسمی معلول اصلاحات ارضی در ایران است؛

بررسی‌های جمعیت‌شناسان، به‌ویژه تحقیقات آقای دکتر زنجانی، نشان داده است که متعاقب اصلاحات ارضی، مهاجرت با دامنه‌ای که مطرح شده، هرگز روی نداده است؛ بلکه رشد اجتماعات غیررسمی عمدتاً در دهه‌ی پنجاه شمسی صورت گرفته است. ضمناً پیدایش نخستین اجتماعات غیررسمی نیز سال‌ها قبل از اصلاحات ارضی رخ داده است.

- اجتماعات غیررسمی در حاشیه شهرها شکل می‌گیرند؛

بدیهی است که در حاشیه‌ی شهرها زمین تصرف‌کردنی بیشتر است. افزون‌بر این‌ها ممنوعیت ساخت‌وساز روی زمین‌های کشاورزی و تعیین محدوده‌ی شهرها، بر وخامت موضوع می‌افزاید؛ اما از دیرباز، اجتماعات آلودگی، هرچاکه زمین مساعد و تصرف‌کردنی وجود داشته، شکل گرفته است. اجتماعات غیررسمی خیابان زنجان که اکنون تخریب شده‌اند، اجتماعات غیررسمی حاشیه‌ی اتوبان‌های کردستان و چمران و ده‌ها نمونه دیگر گواه این موضوع‌اند. ازسویی، پدیده‌ی حاشیه‌ی شهرها مفهومی گذراست؛ نقطه‌ای که امروز حاشیه‌ی شهر است، فردا از حاشیه‌بودن خارج می‌شود.

- ساکنان اجتماعات آلودگی تماماً در بخش غیررسمی اقتصاد و در مشاغل انگلی شهری (دست‌فروشی و...) مشغول به کارند؛

اتفاقاً کارگران شهرداری تهران، پدیدآورندگان نخستین اجتماعات غیررسمی بوده‌اند. حتی تا امروز، هر پگاه، ده‌ها اتوبوس و مینی‌بوس کارگران کارخانه‌های مستقر در جاده‌ی تهران به کرج را از تپه‌ی مرداب کرج به محل کار می‌رسانند.

- این اجتماعات محل زندگی فقیرترین اقشار جامعه‌اند؛

گرچه فقیرترین گروه‌ها را می‌توان در اجتماعات آلودگی یافت، ساکنان آن‌ها معمولاً کسانی‌اند که توانسته‌اند یک تا سه میلیون تومان پول، آن‌هم به تدریج، فراهم کنند و با ساختن سرپناه تحرک عمودی از نظر سطح زندگی و بامسامحه، تحرک طبقاتی را تجربه کنند و غذا و پوشاک بهتری داشته باشند (پیران، ۱۳۸۱: ۶).

همچنین دکتر صرافی در آثار و مقالات خود، به باورهای متداول درباره‌ی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته و بیان می‌کند که واقعیت‌ها و توان‌های موجود در این اجتماعات نادیده گرفته شده و در عوض، باورهایی نادرست و یا بزرگ‌نمایی شده در اذهان عموم و به‌خصوص مسئولان شهری و محققان جای گرفته است که متأسفانه در بسیاری نمونه‌ها، این نوع نگرش در شیوه‌ی برنامه‌ریزی مدیران شهری برای این محلات تجلی یافته است.

جدول ۲: باورهای متداول درباره‌ی سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان آن‌ها

| باورهای متداول درباره‌ی سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان آن‌ها | |
|---|---|
| باورهای اشتباه و بزرگ‌نمایی شده | واقعیت‌های نادیده گرفته شده |
| صرفاً مهاجر روستایی | سهم فزاینده‌ای از ساکنان شهر اصلی |
| تسلط مشاغل غیرقانونی و غیررسمی و بزهکاری | مردم شریف با مشاغل قانونی و غیررسمی |
| در حاشیه‌ی فرهنگی، بدون نظارت رسمی | در متن فرهنگ با نظارت اجتماعی |
| موجب بیکاری و تحمیل به اقتصاد شهر | موجب کاهش بیکاری و کمک به اقتصاد شهر |
| موجب مشکلات محیط‌زیست و زباله‌ریز | قربانی مشکلات محیط‌زیست و بازیافت‌کننده |
| رادیکال و اغتشاش‌گر با زیاده‌خواهی | با داشتن حداقل نیاز، قانون‌گرا و محافظه‌کار |
| با شهرنشینی باعث رشد جمعیت شهر می‌شوند | با شهرنشینی از رشد جمعیت آن‌ها کم می‌شود |
| با «مشت آهنین» جلوگیری می‌شوند | با «مشارکت جویی» همراه می‌شوند |
| خدمات داده نشود تا رشد نکنند | خدمات داده شود تا توسعه یابند |

(صرافی، ۱۳۸۹: ۲۴)

جنیس پرلمن در سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲، تحولات جدید سکونتگاه‌های غیررسمی فاولاهای فقیرنشین ریودوژانیرو (که مطالعات پیشین وی در دهه‌ی ۱۹۶۰ در همین محلات بود) را بررسی می‌کرد. وی در این باره نوشت که بررسی سرنوشت و داستان زندگی افراد نشان می‌دهد که حس انزوا، درمقایسه با زمان گذشته چشمگیرتر شده است و نیز تمام جنبه‌های زندگی افراد را ترس و بیمی فراگرفته است؛ به نحوی که این ترس بر زندگی ساکنان سایه افکنده است. بزهکاری و خلاف در سطح محله و درگیری پلیس و خشونت گروه‌های تجارت موادمخدر به پدیده‌ای روزمره بدل شده است که در سال ۱۹۶۹ کمتر وجود داشت. باوجود ارتقای سطح اجتماعی و رفاهی ساکنان درمقایسه با گذشته، توان انتخاب نسبی انتخاب بسیار محدود شده است و شکاف فزاینده‌ی فقیر و غنی، به‌روشنی در نگرش افراد و احساس عقب‌ماندگی و انزوای آنان اثر گذاشته است. برای نمونه، وی به سرگذشت دختری اشاره می‌کند که چگونه پس از طی کردن مدارج عالی تحصیلی نیز می‌گوید احساس می‌کند سال‌ها با انسان بودن فاصله دارد؛ درواقع، چون بسیاری از هم‌دوران و دوستانش خود را شهروند نمی‌پندارد (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

این موضوع در جامعه‌ی ما نیز به‌خوبی مشهود است و نمونه‌های بسیاری از آن وجود دارد که نسل جدید ساکنان این سکونتگاه‌ها که به مدارج بالای تحصیلی و شغلی رسیده‌اند، برای رهایی از فشار روانی و اجتماعی برچسب‌هایی نظیر «حاشیه‌نشین»، «جنوب شهری»، «پایین شهری» و باورهای اشتباه یا بزرگ‌نمایی شده که بیشتر اشاره شد، مجبور به جابه‌جایی به نقاط دیگر شهر شده، محل سکونت خود را کتمان کرده یا احساس نوعی عقب‌ماندگی یا انزوا به ایشان دست می‌دهد.

۱۱. نتیجه‌گیری

چنانچه اشاره شد زمانی که پرلمن به مطالعه درباره‌ی فاولاهای فقیرنشین ریودوژانیرو مشغول بود، اصطلاح حاشیه‌نشینی و حاشیه‌ای شدن تاحدزایدی از مقبولیت عام برخوردار بود و در محافل علمی و دانشگاهی بسیار رایج بود. حاشیه‌ای بودن

به مفهوم کلاسیک دهه‌ی ۱۹۶۰ بر دو شکل اساسی حاشیه‌نشینی اقتصادی و فرهنگی اشاره داشت که در واقع، این نگرش از ادغام و هم‌پیوندی دو دیدگاه و دو نظریه‌ی نوسازی و وابستگی شکل گرفته بود که پیشتر به آن پرداخته شد. چنانکه اشاره شد در این دوران جنیس پرلمن در کتاب خود، در اعتراضی به بینش و نگرش رایج زمان که فقرا را حاشیه‌ای می‌دانست، ابراز کرد که آنان از نظر اقتصادی حاشیه‌ای نیستند، بلکه از آن‌ها بهره‌کشی شده است؛ از نظر اجتماعی حاشیه‌ای نیستند، بلکه لکه‌دار و نقره‌داغ شده‌اند و بالاخره از نظر سیاسی هم حاشیه‌ای نیستند، بلکه به‌زیرنفوذ کشیده شده و خفه شده‌اند (دراکاکیس، ۱۳۷۷: ۳۱).

بنابراین، نوزاد معلول سرمایه‌داری، یعنی اسکان غیررسمی که برخی آن را به‌اشتباه به روند سریع شهرنشینی نسبت می‌دهند، شکل کالبدی خود را سال‌هاست در اقصی نقاط جهان و به‌خصوص کشورهای جهان سوم نشان داده است و عده‌ای نیز دانسته یا نادانسته، تحت تأثیر برخی پارادیم‌ها، آن را حالتی گذرا در روند توسعه می‌نمایانند تا سرپوشی بر معضلات ایجاد شده قرار دهند. این افراد کرامت و عزت ساکنین این محلات را نادیده انگاشته و در این راه، از هر ابزاری استفاده می‌کنند؛ بنابراین به‌کاربردن واژه‌ی حاشیه‌نشین در مجامع علمی (و سایر برجسب‌های دیگر که بیشتر در زبان عامه استفاده می‌شوند) برای ساکنان شرافتمند این محلات نیز در این راستا بسیار نامناسب است و دست را برای بسیاری اقدامات خشونت‌بار فیزیکی، روانی و اجتماعی علیه اجتماعات غیررسمی باز می‌گذارد.

منابع

۱. ایران‌دوست، کیومرث. (۱۳۸۸). سکونت‌گاه‌های غیررسمی و اسطوره‌ی حاشیه‌نشینی، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۲. پیران، پرویز. (۱۳۸۱). بازهم در باب اسکان غیررسمی، فصلنامه‌ی عمران و بهسازی شهری، ۳ (۹ و ۱۰)، ۲۵-۷.
۳. جواهری‌پور، مهرداد و داورپناه، بابک. (۱۳۸۱). سکونتگاه‌های ناپایدار اقشار کم‌درآمد شهری. مجله هفت شهر، ۳ (۸)، ۹۷.

۴. حاج یوسفی، علی‌اکبر. (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینی شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی). فصلنامه‌ی هفت شهر، ۳(۸)، ۱۲-۲۴.
۵. دراکاکیس، اسمیت. (۱۳۷۷). شهر جهان‌سومی. ترجمه‌ی فیروز جمالی، تهران: توسعه.
۶. صراف‌ی، مظفر. (۱۳۸۱). به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیررسمی. فصلنامه‌ی عمران و بهسازی شهری، ۳(۹ و ۱۰)، ۳-۷.
۷. صراف‌ی، مظفر. (۱۳۸۹). سکونتگاه‌های غیررسمی شهری. جزوه درس برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱-۴۵.
۸. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.